

بررسی ابعاد و مراتب خودآگاهی و تأثیر آن در تحقق صلح جهانی با نثر به آراء ملاصدرا و هگل

حسین زمانیه*

از نظر هگل فلسفه از خودآگاهی آغاز شده و به خودآگاهی نیز ختم میشود. هر چند او سیر تفکر فلسفی را سیر خودآگاهی مطلق میداند، اما هر خودآگاهی جزئی نیز بنحوی در این سیر کلی سهیم است و در آن مشارکت میکند. ازاینرو فیلسوف با سهیم شدن در این سیر با شروع از خودآگاهی حداقلی و بسط آن در یک سیر دیالکتیکی به درک جدیدی از خود و جهان اصل میشود. براساس مبانی فلسفی هگل، یکی از مراتب خودآگاهی، مواجهه یک خودآگاهی با خودآگاهی دیگر است. از دید وی نفس این مواجهه، منشأ نزاع و رویارویی است. اما تنها راه رهایی از این وضعیت یعنی رهایی از خودآگاهی، دوپاره رفتن به سطح بالاتری از خودآگاهی است. سطحی که سنتزی از خودآگاهی حداقلی و دیگر آگاهی است. در این سطح است که خودآگاهی مقید دیگری را جدای از خود نیافته و خود و دیگری را دمی از زندگی خودآگاهی مطلق مبیند. در فلسفه ملاصدرا نیز خودآگاهی در مراحل مختلف تکامل فلسفی بسط مییابد. وی براساس مبانی فلسفی خود از جمله اصالت وجود، تشکیک وجود و حرکت جوهری این سیر را بنحو فلسفی تبیین میکند. این سیر از درکی بسیط از خود بعنوان موجودی اندیشنده آغاز شده و به درکی عمیق از

* استادیار گروه فلسفه و حکمت دانشگاه شاهد

اتحاد خود با حقیقت هستی منتهی میگردد. از دید ملاصدرا بالاترین مرحله خودآگاهی، مرحله‌یی است که انسان با حقیقت وجود متحد شود و به این حقیقت وقوف یابد که وجودات مقید هر یک جلوه‌یی یا شأنی از وجود مطلقند. در این مرحله است که انسان وارد ساحت جدیدی از حیات میشود؛ ساحتی که خود، دیگری و عالم از هم جدا نبوده و هریک تنها شأنی از شئون حقیقت واحده وجودند. با رسیدن به چنین سطحی از خودآگاهی، بسیاری از نزاعها از میان میرود و عرصه برای تحقق صلحی پایدار فراهم میشود.

کلید واژه‌ها: خودآگاهی، صلح جهانی، ملاصدرا، هگل، دیگر آگاهی